



جمهوری اسلامی ایران  
مجلس شورای اسلامی  
معاونت نظارت

شماره گزارش: ۱  
شماره ردیف: ۱

دوره دوازدهم - سال اول  
تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

**گزارش کمیسیون صنایع و معادن  
در خصوص بررسی عملکرد دستگاه‌های مسئول در تامین و تخصیص نیازهای ارزی  
واحدهای صنعتی و تولیدی کشور (مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز)**

ماده (۱۰۷) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

اداره کل کارشناسی نظارت

باسمه تعالی

## هیات رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم

با احترام، مستند به ماده (۱۰۷) آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به پیوست گزارش کمیسیون صنایع و معادن در خصوص بررسی عملکرد دستگاه‌های مسئول در تامین و تخصیص نیازهای ارزی واحدهای صنعتی و تولیدی کشور (مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز) جهت قرائت در صحن علنی مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود.

**رضا علیزاده**

**رئیس کمیسیون صنایع و معادن**

## گزارش کمیسیون صنایع و معادن

### در خصوص بررسی عملکرد دستگاه‌های مسئول در تامین و تخصیص نیازهای ارزی

### واحدهای صنعتی و تولیدی کشور (مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز)

#### مقدمه

براساس آمار واصله از وزارت صنعت، معدن و تجارت تا زمان تهیه این گزارش، تعداد ۴۶۷۲ واحد تولیدی، نیازهای ارزی خود را به تایید وزارت صنعت، معدن و تجارت رسانده و برای تحقق این برنامه ۳۸ میلیارد دلار در سامانه جامع تجارت ثبت کرده‌اند و تعداد ۲۰۵۳ واحد دیگر نیز که در مجموع ۶۷۲۵ واحد تولیدی، به حدود ۴۲ میلیارد دلار ارز نیاز دارند. خاطرنشان می‌سازد که در سال گذشته ۲۷,۸ میلیارد دلار ارز برای ۹ هزار واحد تولیدی، تامین شده است.

همچنین برآوردهای انجام شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت نشان می‌دهد که برای واردات بخشی از مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی و نیز کالاهای واسطه‌ای و محصولات نهایی که تولید داخلی آنها کفاف نیاز کشور را نمی‌دهد، حدود ۹,۵ میلیارد دلار واردات توسط بازرگانان اجتناب ناپذیر می‌باشد. لازم به ذکر است که در سال گذشته ۱۴,۵ میلیارد دلار ارز برای حدود ۱۵۰۰۰ واحد بازرگانی تامین شده است که واردات انواع خودرو به شکل CBU نیز در این رقم منظور شده است.

علاو بر این، برای نوسازی خطوط تولید و اجرای طرح‌های توسعه‌ای و ایجاد واحدهای صنعتی جدید، طبق برآورد، ۵,۲ میلیارد دلار جهت واردات ماشین آلات خطوط تولید به کشور (براساس داده‌های دریافتی از واحدهای تولیدی که مورد بررسی و تایید وزارت صمت قرار گرفته است) افزون بر ۱,۹ میلیارد دلار ماشین آلات خطوط تولید واحدهای پتروشیمی (که از سوی وزارت نفت تایید شده است) مورد نیاز می‌باشد، که جمعاً نیازمند ۷,۱ میلیارد دلار منابع ارزی می‌باشد. لازم به ذکر است که در سال گذشته حدود ۳,۴ میلیارد دلار برای واردات ماشین آلات خطوط تولید، ارز تامین شده است.

برای واردات ماشین آلات معدنی، راهسازی، کشاورزی و ساختمانی نیز، پیش بینی یک میلیارد دلار منابع ارزی انجام شده است. لازم به ذکر است که در سال گذشته حدود ۹۰۰ میلیون دلار ارز برای واردات ماشین آلات مذکور تامین شده است.

منابع ارزی مورد نیاز برای اجرای تعهدات ارزی قراردادهای منعقد شده با دستگاه‌های اجرایی نیز حدود ۲ میلیارد دلار برآورد می‌گردد.

همچنین اجرای مصوبات قانون بودجه سال ۱۴۰۳ در خصوص واردات ناوگان حمل و نقل عمومی (موضوع بند "ث" تبصره ۱۰ قانون بودجه سال ۱۴۰۳)، حدود ۶ میلیارد دلار و اجرای تکالیف مربوط به واردات خودرو در قانون ساماندهی صنعت خودرو، حداقل نیازمند ۲ میلیارد دلار منابع ارزی می‌باشد که با احتساب مصوبات هیئت محترم وزیران برای واردات خودرو برای جانبازان عزیز و نیز آمبولانس برای هلال احمر و اورژانس کشور و خودروهای موردنیاز برخی دستگاه‌های دیگر، حداقل یک میلیارد دلار منابع ارزی مورد نیاز بوده و لذا کل منابع ارزی موردنیاز حدود ۹ میلیارد دلار برآورد می‌گردد.

محاسبات فوق که همگی مبتنی بر اعداد و ارقام مستند می‌باشد، دلالت بر نیاز ۷۰,۷ میلیارد دلار برای تحقق برنامه‌های تعیین شده برای وزارت مذکور می‌باشد که از این میزان ۵۹,۲ آن مربوط به واردات موردنیاز بخش تولید، بازرگانی و ماشین آلات به کشور می‌باشد.

لذا، بنابر آمار دریافتی از وزارت صمت، ۴۲ میلیارد دلار برای مواد اولیه واحدهای تولید، ۱۰ میلیارد دلار برای بازرگانان، ۷ میلیارد دلار برای ماشین‌آلات خط تولیدی و ۱۲ میلیارد دلار برای ماشین‌آلات معدنی و حمل و نقل عمومی و خودروهای سواری و سایر تعهدات ارزی و در مجموع ۷۱ میلیارد دلار جهت تحقق برنامه‌های تعیین شده برای وزارت صمت، مورد نیاز می‌باشد.

در پی تحریم‌های ظالمانه سال ۱۳۹۷، «کنترل‌های ارزی» به منظور مدیریت بازار ارز در مسیر فرآیند صادرات و واردات اعمال گردید. کنترل‌هایی نظیر "الزام به ثبت سفارش، دریافت تخصیص، ثبت منشأ ارز، بازگشت ارز، تعهد زمانی واردات و صادرات، محدودیت واردات"، یک ابزار جهت مدیریت ورود و خروج ارز در اختیار سیاست‌گذار قرار می‌دهد تا در کنار ابزار متعارفی مانند خرید و فروش ارز، برای مدیریت نوسانات نرخ ارز مورد استفاده قرار گیرد. (گفتنی است که کنترل‌های یادشده مختص سال‌های اخیر نبوده و سابقه آن در ایران به دهه‌های گذشته بازمی‌گردد). در کشورهایی مانند ایران که موازنه‌پرداخت‌های خارجی آن در طی سال‌های متمادی وابسته به نفت می‌باشد، کاهش معنادار سطح منابع ارزی حاصل از نفت و همچنین در معرض نوسانات شدید بودن موازنه‌پرداخت‌ها، اعمال کنترل‌های ارزی را تبدیل به امری قابل دفاع می‌کند.

عدم رعایت دو اصل ذیل در استفاده از کنترل‌های ارزی موجب تحمیل اصطکاک‌های مضاعف بر سر راه فرآیند صادرات و واردات و به تبع آن در فرآیند تولید گردیده است:

۱- عدم اعمال همزمان کنترل‌ها به صورت مقداری و قیمتی

۲- تسهیل تدریجی کنترل‌ها در طی زمان

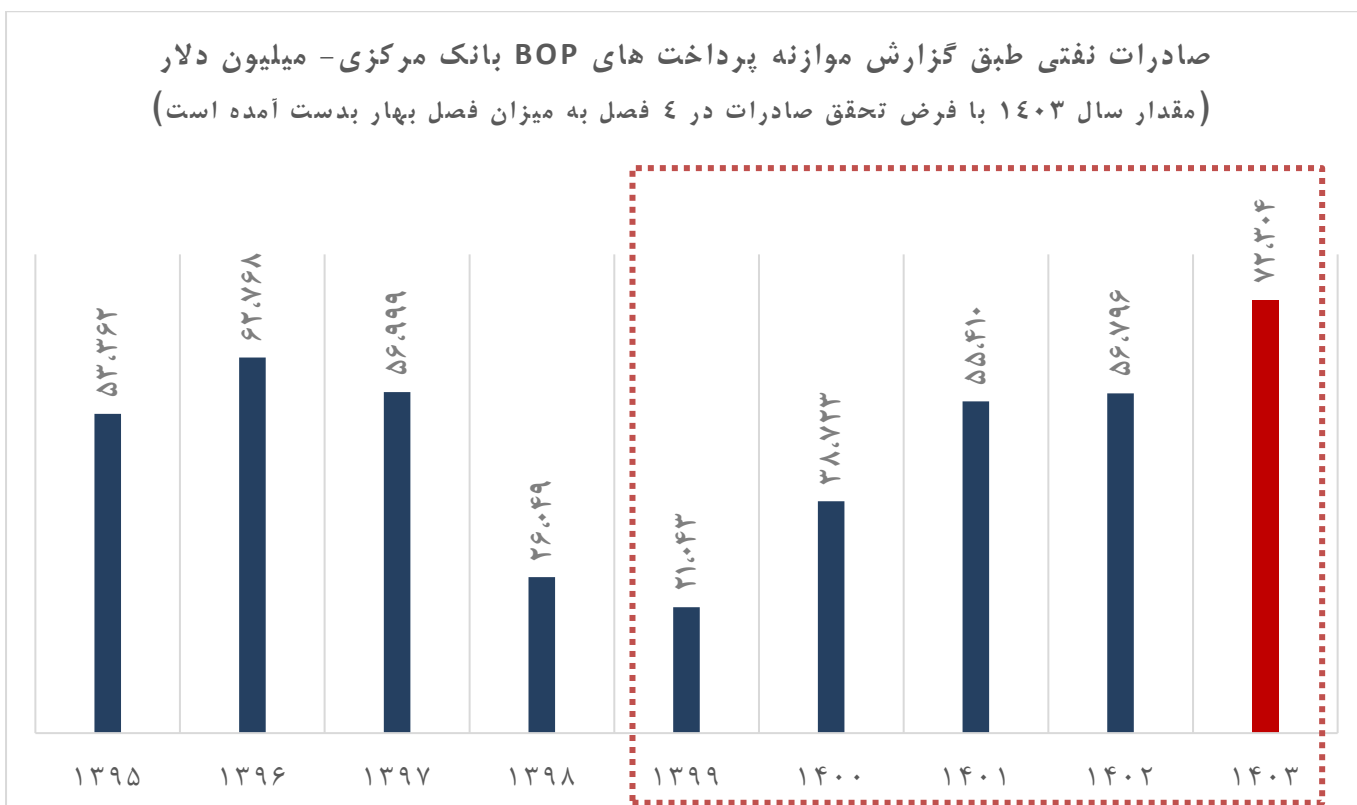
### ۱- عدم اعمال همزمان کنترل‌ها به صورت مقداری و قیمتی

یکی از مهمترین اشکالات در سیاست‌های ارزی فعلی، استفاده همزمان کنترل‌های قیمتی و مقداری در بازار ارز است که منجر به عدم کارایی هر دو نوع کنترل گردیده است. کنترل‌هایی نظیر الزام به ثبت سفارش، دریافت تخصیص، ثبت منشأ ارز، بازگشت ارز، تعهد زمانی واردات و صادرات، محدودیت واردات جهت کنترل ورود و خروج مقدار ارز مورد استفاده قرار می‌گیرد. همزمان با این کنترل مقداری، شاهد نرخ گذاری دستوری در سامانه نیما به عنوان یک مصداق از کنترل قیمتی هستیم. افزایش تقاضای واردات و بهره‌مندی از رانت ناشی از نرخ دستوری ارز و در نتیجه بروز صف در پشت هر مرحله از واردات، اختلال در فرایندهای تجاری و تولیدی، کاهش انگیزه صادرات و بازگشت ارز حاصل از صادرات، افزایش انگیزه بیش اظهاری واردات و کم اظهاری صادرات، معاملات پشت سامانه‌ها، افزایش انگیزه غیرشفاف شدن تبادلات ارزی خارج از کشور، ناگزیر شدن از واردات بدون ثبت منشأ ارز و تأمین ارز از بازار غیررسمی، از جمله مصادیق بروز ناکارایی ناشی از اعمال همزمان کنترل قیمتی و مقداری است. تا قبل از سال ۱۳۹۷، به جز در مقاطعی، صادرکنندگان مجاز بودند که علاوه بر قیمت رسمی ارز، گواهی صادراتی خود را بدون مداخلات دستوری قیمتی به فروش رسانند تا در عمل توانسته باشند ارز خود را در بازار رسمی و بدون کنترل قیمتی به فروش رسانند و در مواقعی که مشکل ارزی در کشور به وجود آمده، تنها با کنترل مقداری، بحران ارزی را مدیریت نموده‌اند.

### ۲- لزوم تسهیل تدریجی کنترل‌ها در طی زمان

فلسفه وجودی کنترل‌های ارزی از سال ۱۳۹۷، کاهش شوک بازار ارز ناشی از کاهش صادرات نفتی بوده است. انتظار می‌رفت که طی زمان و متناسب با افزایش صادرات نفتی و اقدامات اصلاحی در ساختار بازار ارز، از شدت این کنترل‌ها کاسته شود. اما، علی‌رغم روند رو به رشد صادرات نفتی از ۲۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ به ۵۷ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۲، از شدت کنترل‌ها کاسته نشده و شکایت تولیدکنندگان بیانگر پیچیده و طولانی تر شدن فرآیند تأمین ارز است. از طرفی، علی‌رغم فرصت شش ساله برای اصلاح ساختار بازار ارز و ایجاد امکان برای مدیریت نوسانات

ارزی، همچنان شاهد تشدید کنترل‌های ارزی هستیم. به نظر می‌رسد که سیاست‌گذار ابزار کنترل‌های ارزی را دائمی دانسته و تسهیل آن را جزء سیاست‌های خود نمی‌داند. در ادامه به برخی مصادیق تشدید کنترل‌های ارزی و مشکلات ناشی از آن در حوزه تولید، پرداخته می‌شود.



### شرح مشکل تأمین ارز بخش تولید و صنعت

پس از نوسانات ارزی نیمه دوم سال ۱۴۰۱، اخلاص در تأمین ارز مواد اولیه و تجهیزات و نا اطمینانی ناشی از آن، تبدیل به یکی از مشکلات اساسی تولیدکنندگان شده است. اگرچه که این مشکل با درجات مختلفی از سال ۱۳۹۷ وجود داشته است و بخشی از عوامل شکل‌گیری آن خارج حیطه اختیارات دولت بوده است، اما با وجود رشد قریب به سه برابری صادرات نفتی در سه سال گذشته و انباشت تجربه و فرصت برای اصلاح ساختار بازار ارز، نه تنها مشکل یاد شده تخفیف نیافته، بلکه شاهد افزایش اخلاص و بروز صف‌های طولانی در مراحل مختلف واردات (ثبت سفارش، تخصیص و تأمین) هستیم. به عنوان مثال، در تابستان سال ۱۴۰۲ صف گروه کالایی ۲۶، از مرحله ثبت سفارش تا تأمین ارز، حدود ۱۴۰ روز (۷۵ روز صف تخصیص و ۶۵ تمدید تخصیص جهت تأمین ارز) بوده است. این زمان برای گروه کالایی ۲۱ تا ۲۳، حدود ۷۶ روز و برای کالاهای ۲۴، ۲۵ و ۲۷ حدود ۹۲ روز بوده است. این درحالی است که در نیمه اول سال ۱۴۰۱، به دلیل ثبات نسبی در نرخ ارز و همچنین افزایش معنادار منابع ارزی ناشی از افزایش صادرات نفتی و کاهش در مصارف ارزی اقلام مشمول دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی، نه تنها مشکلی برای تأمین ارز واردکنندگان وجود نداشت، بلکه حجم بالایی از دارندگان تخصیص، تخصیص خود را تمدید و خرید خود را به تعویق می‌انداختند. این وضعیت باعث شد تا وزارتخانه‌های صنعت معدن و تجارت و جهاد کشاورزی نیز بدون نگرانی از فشار تقاضا به بازار ارز، تأیید ثبت سفارشات را افزایش دهند به طوری که عملاً تمامی ثبت سفارشات، پس از مدت مشخص (معمولاً ۳۰ روز) تخصیص می‌یافت.

صف طولانی تخصیص و بازه زمانی طولانی ثبت سفارش تا تأمین ارز در سال ۱۴۰۲، موجب شد تا رویه ثبت سفارشات تغییر داده شود و در عمل بخش بزرگی از صف تخصیص، به پشت مرحله ثبت سفارش منتقل شود که به نوعی پاک کردن صورت مسأله پدیده صف طولانی بود.

تا پیش از این تغییر رویه، عمده درخواست‌های ثبت سفارش در وزارت صمت، پس از تأیید در صف تخصیص قرار می‌گرفتند. به همین دلیل، بازگنان تمایل داشتند بیش از نیاز واقعی خود اقدام به ثبت سفارش نمایند تا از شانس بیشتری برای تخصیص ارز برخوردار شوند. به بیان دیگر، سهمیه واردات هر گروه کالا به کسی تعلق می‌گرفت که به میزان و مدت بیشتری در صف تخصیص قرار می‌گرفت. همچنین در رویه جدید، محدودیت در ثبت سفارشات تشدید شد و مقرر گردید که سهمیه واردات (ثبت سفارش) صرفاً به کسانی تعلق بگیرد که سالیان گذشته واردات داشته‌اند و مقرر شد بسته به نوع کالا، بین ۸۰ تا ۱۲۰ درصد واردات گذشته خود، محدودیت واردات داشته باشند.

اگرچه که این رویه نسبت به رویه قبل دارای نظم بیشتری است، اما مسأله صف را حل نکرده و سبب مشکلات مهم دیگری نظیر توزیع رانت برای واردکنندگان قبلی و محروم ماندن بنگاه‌هایی که به دلایل درست، نیازمند ارز بیشتری هستند، گردید.

به بیان ساده، قبلاً سهمیه واردات به عنوان یک رانت، مبتنی بر زمان و میزان صف توزیع می‌گشت و در حال حاضر بر اساس سابقه واردات توزیع می‌شود. بدیهی است که در هر دو صورت، بروز مسأله امضای طلایی در بانک مرکزی، وزارت صمت، جهاد و بهداشت کاملاً جدی است. کما اینکه به تعجیل انداختن ثبت سفارشات و تخصیص‌ها به روشهای غیرمعمول، به امری مرسوم تبدیل شده است.

پدیده صف طولانی در ثبت سفارش، تخصیص و تأمین و نااطمینانی ناشی از آن ریشه در سه عامل عمده دارد: ۱) عوارض طبیعی اعمال کنترل‌های ارزی، ۲) کاهش عرضه ارز حاصل از صادرات نفتی نسبت به رشد تقاضای ارز ۳) عدم تعادل عرضه و تقاضای ناشی از نرخ دستوری سامانه نیما.

### ۱) عوارض طبیعی اعمال کنترل‌های ارزی

به طور طبیعی اعمال کنترل‌های ارزی، موجب سهمیه‌بندی مجوزهای واردات می‌گردد و این سهمیه بندی، بخشی از صف را ایجاد می‌کند. اما این عامل چنانچه در سال ۱۴۰۰ و نیمه اول ۱۴۰۱ تجربه شد، مشکلات زیادی ایجاد نمی‌کند. در نتیجه شدت یافتن مشکلات حال حاضر تولیدکنندگان در تأمین ارز تجهیزات و مواد اولیه را نمی‌توان به عوارض طبیعی اعمال کنترل‌های ارزی نسبت داد.

### ۲) کاهش عرضه ارز حاصل از صادرات نفتی، نسبت به رشد تقاضای ارز

در شرایطی که کنترل‌های ارزی و سهمیه بندی واردات وجود دارد، کاهش عرضه ارز که عمدتاً مربوط به صادرات نفتی است، اثر قابل ملاحظه‌ای بر شدت صف دارد. با توجه به تاثیر میزان صادرات نفتی بر این موضوع، در صورت کاهش صادرات نفتی و عدم امکان افزایش ذخایر توسط بانک مرکزی در مواقع افزایش صادرات نفتی، نمی‌توان به سیاست‌گذار ارزی و تجاری برای کنترل بازار ارز خرده گرفت. لیکن، در سه سال اخیر نه تنها ارزهای نفتی کاهش نیافته بلکه به حدود ۳ برابر رسیده و به گفته بانک مرکزی، همواره دسترسی به ارزهای صادرات نفتی نیز رو به بهبود بوده است. بنابراین، در شرایط کنونی این عامل نمی‌تواند پوشش دهنده اشکالات سیاست‌گذاری ارزی و تجاری باشد.

### ۳) عدم تعادل عرضه و تقاضای ناشی از نرخ دستوری سامانه نیما

عدم تعادل در عرضه و تقاضای ارز در بازار رسمی و ایجاد اضافه تقاضا، سبب تشکیل صف شده است. بطوریکه از بهمن سال ۱۴۰۱ صرافان و بانک‌ها مقید شدند که با سقف نرخ دستوری تعیینی بانک مرکزی، اقدام به خرید ارز صادراتی در سامانه نیما کنند که بیش از نیمی از تأمین ارز سال ۱۴۰۲ مربوط به این سامانه است. این سیاست از طریق سه عامل موجب تشدید اضافه تقاضا و تشکیل صف، شده است:

- افزایش تقاضای واردات به دلیل جذابیت نرخ پایین و دستوری نیما

- کاهش انگیزه صادرات و بازگشت ارز
- افزایش انگیزه کم‌اظهاری صادرات و بیش اظهاری واردات و همچنین دگر اظهاری

فارغ از مفاسد و آسیب جدی به تولیدات صادراتی و سرمایه‌گذاری در این حوزه و همچنین هدایت فعالان اقتصادی به تلاش به جذب رانت به جای تولید و ارزش افزوده، این سیاست، باعث آثار مخربی در زنجیره واردات و تولید نیز گردیده است. نظام ارزی و تجاری کشور در وضعیت جنگ اقتصادی، به اندازه کافی دچار ناترازی هست و تشدید آن با سیاست‌های غلطی چون نرخ دستوری ارز برای صادرکنندگان غیرنفتی غیرقابل قبول است. به جای آنکه، افزایش ارزهای نفتی در سال‌های اخیر صرف توسعه و سرمایه‌گذاری در زیرساخت و صنعت و انرژی شود، صرف ناترازی مصنوعی ناشی از قیمت‌گذاری دستوری نرخ ارز شده است. در نه دهه گذشته، هیچ نرخ‌گذاری دستوری موفق نبوده و در نهایت ناگزیر به تعدیل شده و آثار زیانبار شوک را به اقتصاد کشور تحمیل نموده است.

## تعارضات قانونی و سیاست‌های کلی

### بند (۱۹) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

طبق این بند «... جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...» تکلیف شده است که وضوح مغایر با مفاسد حاصل نرخ دستوری نیما است.

### بند «ت» ماده (۲۰) «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور» و بند «الف» ماده (۴۴) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران»

این قوانین، نظام ارزی کشور را «شناور مدیریت شده» تعیین نموده‌اند. طبق این نظام، باید روند هدفی برای نرخ ارز تعیین و بانک مرکزی صرفاً با مداخلات مقداری و نه قیمتی، نرخ ارز را در کریدور هدف مدیریت نمایند. سقف‌گذاری دستوری در سامانه نیما، در تعارض آشکار با قانون بوده و بانک مرکزی بدون هیچ مصوبه و پشتوانه قانونی اقدام به این امر نموده است. تعیین کف و سقف در این نظام، صرفاً به شکل هدف‌گذاری بوده و به معنای مجوز تعیین دستوری نرخ نیست. بی‌اعتنایی به قانون و رویه شدن تصمیم‌گیری‌های ارزی و تجاری خلاف قانون، از دیگر موضوعاتی است که فعالیت در بخش تولید را با نااطمینانی‌های مضاعف همراه کرده است.

### ماده (۲) «قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران»

در برنامه هفتم، رشد ۲۳ درصدی صادرات غیرنفتی (متوسط قریب به بیش از ۱۰ میلیارد دلار در سال) هدف‌گذاری شده است که با وجود از بین رفتن انگیزه صادرات و سرمایه‌گذاری در این حوزه با وجود مداخلات بی‌ضابطه قیمتی بانک مرکزی و دولت، بسیار بعید است که این هدف مهم برنامه محقق شود. بدیهی است که بدون رشد بالای صادرات غیرنفتی، امکان تحقق رشد ۸ درصدی سیاست‌های کلی برنامه هفتم نیز غیرممکن است.

### بند «پ» ماده (۴) «قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران»

طبق این بند، باید سیاست‌ها به نحوی اصلاح شود که «... زمینه و امکان بیش‌اظهاری در واردات و کم‌اظهاری در صادرات کالاها وجود نداشته باشد».

## جمع‌بندی

ایجاد پدیده صف در مراحل واردات (ثبت سفارش، تخصیص، تأمین)، سبب عدم تأمین ارز مورد نیاز جهت واردات مواد اولیه و تجهیزات شده و از طریق ایجاد نااطمینانی در برنامه ریزی و زمانبندی در زنجیره تولید و یا تأمین، باعث اختلال در فعالیتهای تولیدی می‌شود. به بیان اقتصادی، پدیده صف، همان عدم تعادل در تقاضا و عرضه ارز به شکل مازاد تقاضا است. بخشی از این مازاد تقاضا، بدلیل ماهیت شرایط ارزی کشور ناشی از تحریم و کمبود منابع ارزی و شوک پذیری بازار است.

سیاست‌گذار ارزی و تجاری، در این وضعیت عدم تعادل، اولاً باید از هر نوع تصمیم که تشدید کننده مازاد تقاضا باشد اجتناب کند و دوماً تلاش نماید که با اصلاح ساختار ارز و ذخایر ارزی، موجبات کاهش عدم تعادل را فراهم نماید.

متأسفانه، سیاست تعیین دستوری نرخ ارز بدون هیچ پشتوانه قانونی در سامانه نیما، موجب تشدید این ناترازی شده و همچنین کشور را ناگزیر نموده تا افزایش ارزشهای حاصل از افزایش صادرات نفتی را به جای سرمایه‌گذاری در تولید و زیرساخت صرف پوشش این ناترازی ایجاد شده نماید. این سیاست غلط، مغایر با بند (۱۹) «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»، بند «ت» ماده (۲۰) «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور»، بند «الف» ماده (۴۴) «قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران»، ماده (۲) «قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران» و بند «پ» ماده (۴) «قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران» است و باید اصلاح شود.

وزارت صمت با هدف ایجاد اطمینان خاطر در تأمین ارز مورد نیاز واحدهای تولیدی و بازرگانی، از ابتدای سال ۱۴۰۳ اقدام به ایجاد زیرساخت خوداظهاری برنامه تولید توسط واحدهای تولیدی در سامانه جامع تجارت نموده است تا برنامه ماهیانه تولید و میزان ارز مورد نیاز برای واردات مواد اولیه آن پس از تایید ادارات کل استانی و دفاتر تخصصی وزارت صمت به عنوان سهمیه ارزی در اختیار واحدهای تولیدی قرار گیرد.

در نیمه اول سال، امکان استفاده از ۶۰٪ این سهمیه وجود داشته و استفاده از الباقی سهمیه ارزی به تناسب تحقق برنامه‌های تولید در ماه‌های قبل که توسط واحدهای تولیدی به صورت خوداظهاری در سامانه جامع تجارت ثبت و به تایید ادارات کل استانی صنعت، معدن و تجارت خواهد رسید امکان پذیر خواهد شد. از دیگر اقدامات ثبت انجام شده از سوی وزارت صمت، معدن و تجارت، خودکار سازی فرایند تخصیص ارز براساس رشته فعالیت یا گروه کالایی و مدت زمان انتظار در صف تخصیص ارز می‌باشد که موجب کاهش عوارض حاشیه‌ای فرایند مذکور گردیده است.

## پیشنهادها

۱. تغییر رویکرد و اصلاح و ایجاد یک بازار رسمی ارز با مدیریت بانک مرکزی، با اولویت مداخلات مقداری، جهت پیش‌بینی پذیر کردن روند نرخ ارز، امکان تعریف ابزارهای مالی، انتقال مدیریت قیمت ارز از بازار غیررسمی به بازار رسمی.
۲. شکل‌دهی بازار سهمیه واردات، جهت از بین بردن پدیده صف، رانت و امضای طلایی:

از سال ۱۳۹۷ منطق مشخص و اصولی برای توزیع رانت سهمیه واردات بین واردکنندگان وجود نداشته است. توزیع رانت بر مبنای میزان و طول زمان ایستادن در صف تخصیص و یا توزیع بر مبنای سابقه واردات، منطق اصولی محسوب نمی‌شوند. اگر کشور در برخی گروه کالاها ناگزیر به سهمیه‌بندی است، راه حل علمی و تجربی آن ایجاد بازار سهمیه واردات است. به شکلی که به میزان مشخصی که ابتدای سال بودجه ارزی برای گروه کالاهای معین می‌شود، به همین میزان اوراق سهمیه واردات در بورس کالا منتشر شود و واردکنندگان برای دریافت سهمیه از بازار اقدام نمایند. در این حالت مسئله عدم تطابق ثبت سفارش و تخصیص با منابع ارزی به طور ریشه‌ای رفع شده و تولیدکنندگان می‌توانند هر زمان که نیازمند واردات بودند، بدون معطلی و روند دیوان سالاری (بروکراسی) با خرید سهمیه، کل فرایند تخصیص و تأیید ثبت سفارش را طی نمایند.



برای تشویق صادرکنندگان غیرنفتی و انتقال رانت واردات از واردکننده به صادرکننده، بسته به نوع صادرات، می‌توان سهمیه‌ها را برای عرضه به آنها اعطا نمود. لازم به ذکر است؛ یکی از مشکلات ساختار بازار ارز رسمی در ایران، آن است که ارز صادراتی، حاوی دو ارزش است:

الف- ارزش خود ارز

ب- ارز صادرات، بعنوان مجوزی برای واردات می‌باشد. (به دلیل الزام به ثبت منشأ ارز)

ایجاد بازار سهمیه ارز، موجب می‌شود که قیمت مجوز واردات در قیمت سهمیه ارز تخلیه و قیمت کشف شده در بازار رسمی ارز، صرفاً مربوط به ارزش ذاتی خود ارز باشد. گفتنی است که برخی از ارزهای صادراتی که برای واردات اقلامی چون گوشی همراه و خودرو صرف می‌شود، ۵ تا حتی ۱۵ درصد بالاتر از بازار غیررسمی قیمت می‌خورد چون اضافه بر ارزش ارز، حاوی ارزش مجوز واردات نیز هست.

۳. افزایش سرعت تعدیل نرخ سامانه نیما که از چند ماه پیش آغاز شده است.

۴. حداکثر استفاده از سهم ارز اشخاص در تأمین ارز، تا زمان اصلاحات اساسی و تشکیل بازار ارز رسمی

یادآور می‌شود؛ این کمیسیون در گزارش نظارتی که با همین عنوان، در دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی (به شماره گزارش ۱۷۲ مورخ ۱۴۰۲/۲/۱۸) در صحن علنی مجلس قرائت گردید، به موضوع حذف سقف دستوری اشاره نمود که متأسفانه تاکنون اقدام مؤثری در این خصوص صورت نپذیرفته است و مجدداً در این گزارش بر این موضوع، تأکید می‌شود.